

سخن بزرگان در باب ورزشگاه

سرمری هوادار، دولامپ و دوشیر ورزشگاه دستگردی را عوض کردیم. اجازه بازی دادند!



داستان ورزشگاه هادر اینجاد استانی است پرآب چشم و گوش و دماغ و... بس که اوضاع قمر در عقربی دارند. گاهی بحث ورزشگاه‌ها مطرح می‌شود و بعد از پایان مسابقات هم دوباره به فراموشی سپرده می‌شود. این روزها هم به علت برگزاری شهرآورد و بازی‌های باشگاه‌های آسیا و تیم ملی، دوباره همه یادشان افتاده است که یک ورزشگاه درست و درمان نداریم. با اینکه این قدر پول برای خرید بازیکن و پاداش به مدیران فدراسیون و تبلیغات و... خرج می‌شود، به ورزشگاه که می‌رسد، کفگیر به ته دیگ می‌خورد. به همین بهانه سخن بزرگان در این باره را بررسی و آنالیز می‌کنیم تا ببینیم آخرش چه می‌شود.

دنیامالی، وزیر ورزش: «در حال پیگیری برای ساخت ورزشگاه جدید ۱۱۰ هزار نفری هستیم. این یک مجموعه و کار خیلی بزرگی است و به زودی مصوبه آن را از دولت خواهیم گرفت.»

پلخمون: تا جایی که یادمان می‌آید، در دولت قبلی هم قرار بود یک ورزشگاه آن چنانی در تهران ساخته شود. حالا مشخص نیست این ۱۱۰ هزار نفری، همان است یا قرار است علاوه بر آن، یک ۱۱۰ هزار نفری دیگر هم ساخته شود؟ به هر حال همین که یک وزیر می‌گوید «در حال پیگیری فلان چیز هستیم» یعنی قشنگ حداقل دو دولت می‌آیند و می‌روند و خبری از آن فلان چیز نمی‌شود. به خصوص که «کار خیلی بزرگی است...!»

درویش، مدیر عامل پرسپولیس: «فکر کرده‌اند ما می‌رویم سوپرمارکت و می‌گوییم دوتا استادایم داری به ما بدهی؟!»
پلخمون: این سخنان هم نکته دارد. ورزشگاه‌های سوپرمارکتی بگیرتنگیر دارند. یعنی گاهی ممکن است خوب از کار دربیایند، ولی بیشتر مواقع افتضاح هستند. یا چمنشان کپک زده و الکی روی بسته بندی چند تکه چمن خوب گذاشته‌اند تا خریدار گول بخورد، یا جایگاه تماشاگرهایش لب پریده است و نشستن روی آن سخت است، یا چراغ‌هایش ضعیف است و درست سر پناالتی می‌سوزد و... توصیه می‌کنیم همیشه بروید از دم درکارخانه بخرید. هم ارزان تر است، هم ضمانت دارد و هم می‌توانید خوب بررسی کنید که جنس بنجل نینداخته باشند!

رحمتی، سرمری هوادار: «دو شیر آب و دولامپ ورزشگاه دستگردی خراب بود. ما آن‌ها را درست کردیم و فدراسیون اجازه داد در این ورزشگاه بازی کنیم.»

پلخمون: در علم اقتصاد به این کار می‌گویند تهاتر. یعنی وقتی پول نباشد، مبادله کالا به کالا می‌کنیم. حالا اگر کسی بخواهد در ورزشگاه آزادی بازی برگزار کند هم با این روش می‌تواند. فقط باید ۱۰۰ هزار تاصندلی و سکو بدهد، به اضافه یک هکتار چمن و چندتا نورافکن و دوربین، بایک اتاقک var و چند دستگاه آمبولانس با چندین دکتر و پرستار، بادوتا تیر دروازه و چهار تا پرچم کرر، تا بتواند در آن زمین بازی کند. به همین راحتی.

مدیر ورزشگاه آزادی: «برای بازسازی ورزشگاه آزادی تاکنون ۶۰۰ میلیارد تومان بودجه تزریق شده است. تلاش بر این است که تا آخر آذر کار بازسازی به پایان برسد.»

پلخمون: این گزاره هم بودار است. یا آقای مدیر اشتباه لبی - محاسباتی کرده و مثلاً به جای ۶۰۰ میلیون تومان گفته است ۶۰۰ میلیارد، یا قرار است آخر آذر همه را شگفت زده کند و باین مبلغی که تا حالا خرج کرده‌اند، یک «سانتیاگو برنابئو» ی وطنی با بته جقه یا نسخه بومی شده «ومبلی» با صدای سالار عقیلی را رونمایی کنند. به هر حال تا آخر آذر کی زنده است و کی مرده؟



باشید، فوق فوقش آسانسور سقوط می‌کند. متأسفانه آن وقت دیگر نه تنها باید به جد و آبادتان سلام کنید، بلکه باید بغلشان کنید. زور هم نزنید. چون راه برگشتی وجود ندارد. باتوجه به موارد فوق، متوجه شدید که معایب آسانسور از مزایایش بیشتر است. پس بهتر است از راه و رسم قدیمی‌های یعنی راه پله استفاده کنید تا هم اعصابتان آرام تر باشد و هم صدمه کمتری به خودتان و آسانسورتان بزنید.

که چالشتان کمتر و ملوتر می‌شود، ولی وای به حالتان اگر سرویس مرویس را بی خیال شوید. آن وقت است که با چالش دیگری که باعث می‌شود جد و آبادتان بیاید جلو چشمتان، روبه رومی شوید و آن هم این است که وسط راه آسانسور گیر کند و از آن بدتر، برقش هم قطع بشود. (این بخش به سرویس کردن آسانسور ربطی ندارد، ولی ما ربطش می‌دهیم که به کسی برنخورد.) اگر هم خیلی بدشانس